

به بهانه روز کارگر، مهم‌ترین پرونده‌های ورود جنبش دانشجویی به بحران‌های کارگران را بررسی کردیم

نان، کار، دانشجویی مسلمان

امین سلیمی
سردبیر خبرگزاری دانشجو

اواخر ماه مهر بود که حسن روحانی برای شرکت در آیین بازگشایی دانشگاه‌ها به دانشگاه تهران رفت؛ اختصاص

ندادن سهمیه مناسب به دانشجویان جهت شرکت در مراسم و نیز اجازه ندادن به نمایندگان دانشجویی جهت مطرح کردن نقدهایشان اعتراض دانشجویان تهرانی را برانگیخت. عده‌ای با در دست داشتن پلاکاردهایی با عناوین «ورود افراد زیر ۴۰ سال به داخل سالن ممنوع»، «جشن آغاز سال تحصیلی کارمندان وزارت علوم» و «بریدن

صدا از نوع تدبیر و امیدها، اعتراض خود را به عدم حضور خود در جشنی که برای آنها ترتیب داده شده، اعلام کردند؛ برخی دانشجویان هم که اجازه حضور داشتند سالن را به نشانه اعتراض ترک کردند. کلیپ‌های دانشگاه تهران که منتشر شد، متوجه عده‌ای می‌شوم که یک گوشه دانشگاه حلقه زده‌اند؛ آنهایی که

دوست دارند به اسم چپ شناخته شوند و مثلاً پرچم مطالبات کارگری و مردمی را بلند کنند. قیافه‌هایشان برایم آشناست، قبل‌تر هم دیدم شان، مثل همیشه شعارهایشان را از مسائل صنفی و پولی شدن دانشگاه‌ها آغاز می‌کنند و در نهایت به موضوعات کارگری می‌رسند؛ «ایستاد ایم در سنگر، دانشجو و کارگر»! یاد تجصعات

قبلی می‌افتم که علاوه بر این شعار «نان، کار، آزادی» هم می‌گفتند اما برای من که این روزها کف اخبار دانشجویی و کارگری خوابیده‌ام، پیگیری مطالبات کارگری و شنیدن حرف‌هایشان نماد‌های دیگری دارد، سال‌های ۹۸ و ۹۷ و برای خیلی‌ها سال‌های متفاوتی بود؛ برای من، کارگران و البته بخشی از جنبش دانشجویی!

ماشین‌سازی تبریز

ماشین‌سازی تبریز یک شرکت موفق ۴۷ ساله بود. شرکتی که از ابزارآلات صنایع پزشکی تا صنایع دفاعی و پتروشیمی را تولید می‌کرد. این مجموعه از سال ۸۳ وارد روند خصوصی‌سازی شد و تا ۱۱ سال بعد یعنی سال ۹۴، ۱۱ بار به مزایده گذاشته شد و هر بار شکست خورد اما خصوصی‌سازان ناامید نشدند و در نهایت آن را در سال ۹۷ با قیمت سال ۹۴ به فردی با نام قربانعلی فرخزاد واگذار شد؛ شخصی که بعدها به‌عنوان یکی از ابربردهکاران بانکی که نقش پررنگی هم در اخلاخ در بازار ارز داشت، محاکمه شد. ۱۱ سال مزایده تا کام و بازی با کارخانه ماشین‌سازی البته بدون عوارض نبود، روند جذب نیرو، تولید و پرداخت حقوق کارکنان با مشکل جدی مواجه بود و بالاخره در اسفندماه ۹۶ این زخم سر باز کرد و اعتراض‌های کارگری در این مجموعه صنعتی هم کلید خورد. از همین‌جا بود که دانشجویان آذربایجان شرقی به ماجرا ورود کردند و اعتراضات کارگری با مطالبات دانشجویی همراه شد؛ اعتراضاتی که تا مدت‌ها ادامه پیدا کرد و بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی سهند تبریز به‌همراه دیگر دانشجویان انقلابی همیشه و همه‌جا پشت کارگران ماندند.

دانشجویان بسیجی تبریزی هم‌زمان با یکی از اعتراضات کارگری کارخانه نسبت به

اتفاقات ماشین‌سازی وارد قضیه شدند. تحقیق و تفحص پیرامون اهمیت و موقعیت و آمار کارخانه آغاز شد. دانشجویان با اکثر مدیران و کارگران قدیمی و جدید کارخانه ارتباط گرفتند و توانستند وضعیت شفاف‌تری از حوزه‌های مالی و کاری کارخانه ترسیم کنند، حالا برای دانشجویان بسیجی مسجل شده بود که عده‌ای نمی‌خواهند چرخ ماشین‌سازی تبریز دوباره بچرخد. حالا وقت آن بود که سراغ مسئولان استان شان بروند، از نامه‌نگاری خطاب به امام‌جمعه تبریز تا ریاست دادگستری استان، از پزشک‌های نماینده تبریز و نایب‌رئیس مجلس تا پوری حسینی رئیس وقت سازمان خصوصی‌سازی.

پیگیری مستمر دانشجویان در بستر رسانه‌ها و اقدام به جهت تبیین و روشن‌گری آنچه بر سر این سرمایه‌ملی می‌روید باعث شد آرام‌آرام بحث ماشین‌سازی بر سر زبان‌ها بیفتد. در دی‌ماه ۹۷ با تشکل‌های دانشجویی مقابل سازمان خصوصی‌سازی تجمعی برگزار کردند و با برپا کردن غرفه‌ای در ۲۲ بهمن ۹۷ توانستند صدای خود را به مسئولان برسانند، چندماه بعد هم تجمع اعتراض دانشجویان در تیرماه ۹۸ در خیابان پاستور

به‌همراه تشکل‌های دانشجویی تجمعی برگزار شد. دیدارهای رضامتی‌رئیس قوه قضائیه و حتی دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب نیز از موج مطالبات بچه‌های تبریزی بی‌نصیب نماند. علی سنبلی، نماینده بچه‌های صنعتی سهند بود که مطالبات کارگران را به گوش رئیس قوه قضائیه رساند و از ایشان قول پیگیری گرفت. موارد مربوط به خصوصی‌سازی رمضان همان سال در جلسه‌ای با رهبر انقلاب هم مطرح شد که از جانب ایشان مورد تأیید قرار گرفت؛ «آنچه اینجا این برادرمان راجع به خصوصی‌سازی گفتند که بچه‌های دانشجو در زمینه خصوصی‌سازی وارد کار شدند و در همین مساله نیشکر هفت‌تپه و ماشین‌سازی تبریز، دانشجوهارفتند و یک مشکل را واقعا حل کردند؛ یعنی نه پول دارند، نه قدرت قانونی دارند، اما در عین حال حضورشان می‌تواند یک کار بزرگ را، یک مشکل بزرگ را حل کند. مثلاً از جمله موارد این است: در حمایت از کارگران را در مطالبات از دستگاه‌ها، که این مطالبات اثر هم داشته؛ یعنی اینکه مجموعه دانشجویی از قوه قضائیه یا قوه مقننه یا مجمع تشخیص یک چیزی را مطالبه بکند، تأثیرگذار است.»

هرچند مسیر این مطالبه‌گری هموار نبود و گاهی کار به نیروهای امنیتی و احضار

هیپکواراک



که بسیج دانشجویی دانشگاه تهران میزبان رئیس دستگاه قضا شد، شکل کلاسیک اینجور برنامه‌ها مشخص است. صحبت تنی چند از نمایندگان تشکل‌های دانشجویی دانشگاه و در نهایت هم سخنرانی میهمان مربوطه اما این‌بار بچه‌ها قصد داشتند در میان خودشان یک میهمان هم داشته باشند تا تریبون خود را به او امانت بدهند. میزبان نماینده کارگران هیپکو بود که در میانه روز دانشجو مقابل آیت‌الله رئیسی ایستاد و صدای همکارانش را به عالی‌ترین مقام قضایی کشور رساند. ماجرا اما تمام نشد، ۱۶ آذر سال گذشته جمعه بود، برای همین تعدادی از دانشجویان از بسیج دانشجویی و جنبش عدالتخواه به ارک سفر کردند تا به‌صورت نمادین، روز دانشجو را در کنار کارگران هیپکو و آذربای سبیری کنند. هرچند نهادهای امنیتی استان مرکزی از حضور دانشجویان در محوطه کارخانه آذربای جلوگیری کردند، اما عکس این دیدار و این مراسم به عا‌دگار ماند. دانشجویانی که در کنار کارگران حضور واقعی داشتند. ماجراهای جنبش دانشجویی انقلابی با کارگران هیپکو تا همین امروز همچنان ادامه دارد. برخی نقاط توفیقانی حاصل شد و برخی نقاط هم کند و طاق‌تفرسا جلو رفت اما برای من هیپکو تبدیل به نماد مبارزه اصولی دانشجویان با یک پدیده بزرگ و البته خروج دانشجویان از فضای گلخانه‌ای و صرفاً نظری دفاتر تشکل‌شان شد.

را پرداخت کند که البته چیزی پرداخت نمی‌شود. در تمام این سال‌ها هیپکو از گردونه رقابت خارج شده و بسیاری از نخبگان و متخصصان آن به خدمت شرکت‌های واردکننده درآمدند، حالا پنج‌ماه بود که هیچ تولیدی نداشت و زمین‌هایش در آستانه فروش بود و البته جز همان کارگرانی که روی ریل خوابیده بودند حامی دیگری هم نداشت. جمعه نشده بود که دانشجویان راه دادگستر به سمت ارک و خودشان را به کارگران غول ماشین‌سازی هیپکو رساندند؛ از عیادت مجروحان ماجرا شروع کردند و تا تجمع در نمازجمعه جلو رفتند اما کار به همین‌جا تمام نشد. دانشجویان دست کارگران را گرفتند و با خودشان به پایتخت آوردند؛ از جلسه با مجلسی‌ها گرفته تا با رسانه‌ها و مرتبطان با قوه قضائیه، حالا مساله هیپکو فقط مربوط به حقوق چند ماه عقب‌افتاده کارگران نبود بلکه به یک کلان‌مساله مرتبط با پدیده‌ای مهم به نام خصوصی‌سازی تبدیل شده بود. حالا دانشگاه‌های تهران محل رفت‌وآمد کارگران هیپکو بود و آملی‌تأثیر برخی دانشگاه‌های کشور محل مستند نان‌گرفته‌ها که مربوط به چالش‌های این شرکت بود. دانشجویان میزبان بسیاری از مدیران و متخصصان این حوزه شدند؛ یک مطالبه‌گری تمیز که هم به عوارض یک معضل مصداقی می‌پرداخت و هم حواسش به ریشه‌های این بحران بود و عبارتی مصداق‌زده نمی‌شد، برخلاف برخی اعتراضات کارگری حالا صدای کارگران هیپکو از زبان بچه‌های انقلاب شنیده می‌شد؛ جایی که هیچ معاندی توان مصادره‌اش را نداشت، ماجرا به اینجا ختم نشد. نزدیک ایام ۱۶ آذر بود

ماجرای هیپکو از یک شب تابستانی در شهریور ۹۸ دوباره شروع شد، کارگرانی که بعد از حدود دو سال اعتراض بی‌نتیجه به بن‌بست رسیدند و ریل راه‌آهن شمال به جنوب را برای چند ساعت بستند و منتظر استاندار ماندند اما اعتراض‌شان به خشونت کشیده شد و برای بچه‌های دانشجو تبدیل شده بود به چند عکس و فیلم از سرهای شکسته و دماغ‌های خونی. خلاصه داستان این بود که تصمیم گرفته می‌شود یک شرکت نمونه و عظیم صنعتی که در بیشترین حالت سوددهی بوده و در کیفیت و تنوع تولید با شرکت‌های خارجی رقابت داشته است به بخش خصوصی واگذار شود. در نهایت درحالی‌که در سال واگذاری (سال ۱۳۸۶) تنها ۲۸۰ میلیارد تومان محصول در انبار شرکت موجود بوده هیات‌واگذاری این شرکت را به مبلغ ۷۰ میلیارد تومان به عطاریان واگذار می‌کنند. قرار می‌شود او ۲۰ درصد از همین قیمت ناچیز را نقداً پرداخت کرده و مابقی را در اقساط پنج‌ساله تسویه کند (ایشان حتی یک قسط هم پرداخت نمی‌کند و همان ۲۰ درصد را هم از محل وامی که روی سند کارخانه گرفته، می‌دهد.) چیزی که عطاریان در سال ۹۵ تحویل می‌دهد یک شرکت ورشکسته و زیان‌ده با انبوه بدهی‌های بانکی بود که تولیدش سقوط کرده است و در تمام این سال‌ها سرمایه‌های شرکت صرف سرمایه‌گذاری در امور دیگر می‌شود. ایشان همان سال بازداشت می‌شود و با تسلیم شرکت هیپکو بدهی خود را تسویه می‌کند و از بازی خارج می‌شود. اما در فاز دوم واگذاری، شرکت هیپکو به مبلغ ۱۰ میلیون تومان به شخصی دیگر واگذار می‌شود که بعدها اقساطش

نیشکر هفت‌تپه

حمایت از این کارگران مظلوم به جمع معترضان آمدند و پای درددل‌های کارگران نشستند. در دیدار دانشجویان با کارگران معترض هفت‌تپه، مصطفی حدیدی، مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه شهید چمران اهواز بود که در میان جمع کارگران فریاد می‌زد: «اگر لازم باشم، ۱۰ بار دیگر در جمع‌تان حاضر می‌شوم تا به نتیجه برسیم. صدای کارگران را به گوش مسئولان خواهیم رساند و پیگیر حل این جریان خواهیم بود.» اعتراضات مسالمت‌آمیز کارگران هفت‌تپه ادامه پیدا کرد تا آنجا که منجر به بازداشت کارگران کارخانه به دلیل مسائل امنیتی شد! با دستگیری این کارگران و بعد از دیدار دانشجویان و طلاب بسیجی دانشگاه‌های اهواز با کارگران هفت‌تپه، نوبت به دانشجویان انقلابی دانشگاه‌های خوزستان هم بیکار نشستند و پیگیر مطالبات کارگران شدند. نماینده شوش، دادستان اهواز، امام‌جمعه، فرماندار و... بخشی از مسئولانی بودند که دانشجویان به سراغ‌شان رفتند. مدتی بعد با ورود برخی ارگان‌ها، اعتراضات کارگری هفت‌تپه خامنه یافت و کارگران به کارشان برگشتند و حتی معوقات هم به مرور پرداخت شد و علی‌الظاهر فضای هفت‌تپه آرام گرفت؛ اما شهریور ۹۸ بار دیگر آتش اعتراضات کارگری شعله‌ور شد، اخراج تعدادی از کارگران به بهانه پایان قرارداد کاری علت اصلی اعتراض کارگران بود. با شدت گرفتن اعتراضات کارگری هفت‌تپه، تشکل‌های دانشجویی استان خوزستان (بسیج دانشجویی دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه علوم پزشکی اهواز) به‌منظور

۲ سال تلاش جنبش دانشجویی در جهت تحقق مطالبات کارگری

دو سال گذشته پر بود از نمونه‌های متعدد همراهی و پیگیری دانشجویان نسبت به مطالبات کارگری. کشت‌و‌صنعت مغان، قند باسوج، کنتورسازی قزوین، صنایع چوب مازندران، شرکت غله همدان، ماهیگیران هرمزگانی، کارگران سد چمشیر گچساران، کارگران شهرداری بروجرد، مشکلات کارخانه کاوه سواد و ده‌ها مساله دیگر که در آن شاهد حضور پررنگ تشکل‌های دانشجویی هستیم، به‌طور حتم اگر از منظر کارکردهای بیرونی جنبش دانشجویی و خروج از فضای فانتزی و گلخانه‌ای دانشگاهی به این پدیده نگاه کنیم، متوجه آثار درخشانی در رشد عملی این نسل از دانشجویان خواهیم شد که انکارشدنی نیست، به‌علاوه اینکه حضور در چنین چالش‌هایی در یک نگاه کلان‌تر بخشی از فرآیند حل مسائل نظام به‌صورت ریشه‌ای توسط قشری از نخبگان یعنی همان بدنه دانشگاهی است. هرچند بهتر است به این نکته مغفول توجه شود که حضور دانشجویان در پیگیری مستمر مسائل کارگران نباید باعث تضعیف تشکل‌های کارگری شود، به‌عبارتی رشد و تقویت سازوکارهایی که بتوانند به‌صورت مستقل برای تشکل‌های کارگری از مطالبه‌گری خلق کند ضروری است، به‌زعم نگارنده، اکثفا به حضور میدانی دانشجویان در مواقع بحرانی در کنار کارگران بدون مطالبه درست و صحیح از خلق ابزارهای تقویت‌کننده این قشر در نهایت اثر درازمدتی نخواهد داشت و این مهم باید در نظر گرفته شود که تشکل دانشجویی نباید تبدیل به شاخه کارگری برخی گروه‌ها شود که اساسا کارکرد دانشگاهی و درونی خود را از دست داده است. نکته بعدی تقویت بنیان‌های نظری و ایده‌پردازی در حوزه‌های تولید و اشتغال است که بتواند به‌صورت ریشه‌ای و ساختارمند چنین معضلاتی را برطرف کند و البته به دام تفکرات مارکسیستی و سوسیالیستی هم نیفتد. بتواند مجموعه‌ای از راهکارهای ایجابی و اساسی را در حوزه سیاست‌گذاری عرضه کند. در نهایت حالا در آستانه روز کارگر ۹۹ ما با بخشی از بدنه دانشجویی ارزشی کشور روبه‌رو هستیم که نسبت به این روز دارای فهم و حس مشترک است و پیگیری مشکلات یکی از اقشار مظلوم جامعه برایش تبدیل به مساله شده است، بدنه‌ای که از اسم کارگران استفاده اپوزیسیونی نمی‌کند و مطالبات‌شان را مصادره به مطلوب سیاسی نخواهد کرد.